

امنیت سیاسی توده مردم در سیره معصومان علیهم‌السلام

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۲

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۱۰/۲۸

مطهر ظاهری عبده‌وند *

چکیده

مسئله مقاله حاضر راهبردهای امنیت سیاسی توده مردم در سیره معصومین علیهم‌السلام می‌باشد. بدون تردید مهم‌ترین وظیفه هر نظامی تأمین امنیت است به نحوی که می‌توان گفت یکی از اهداف اصلی تشکیل حکومت‌ها ایجاد امنیت است. امنیت دارای دو بعد مهم نرم افزاری و سخت افزاری می‌باشد که در اینجا بعد نرم افزاری مورد بررسی قرار می‌گیرد. روش مقاله حاضر به صورت سیره پژوهی (توصیفی-تحلیلی) است که از طریق چارچوب نظری مطالعات راهبردی صورت می‌گیرد. فرضیه ما این است که توده مردم باید در انتخاب اندیشه سیاسی و عقیده و بیان در چارچوب قوانین و اصول دین آزاد باشند. در این مقاله ابتدا مسئله امنیت سیاسی شهروندان که شامل مواردی از جمله صلح که برای امنیت سیاسی شهروندان بسیار اهمیت دارد، بررسی شد و معاهداتی که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای برقراری امنیت سیاسی در میان مردم برقرار کردند، بیان گردید. در ادامه موضوع امنیت سیاسی شهروندان به نوشتار آمد که شامل مباحثی همچون حق بکارگیری و ابراز عقیده و همچنین حق انتخاب شدن و حق انتخاب کردن است. همچنین بحث سازوکارهای تضمین امنیت سیاسی افراد مورد بررسی قرار گرفت که شامل عناوینی از جمله کنترل از درون - محاسبه و مراقبه - و کنترل از بیرون و

* دانش آموخته کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی در اسلام، دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام.

نظارت- امر به معروف و نهی از منکر- و همچنین اصل مشورت و اعتماد و عدم خشونت در جامعه مطرح گردید. در ادامه نیز مبحث تهدید امنیت سیاسی مردم مطرح گردید و عوامل از بین رفتن امنیت سیاسی مردم ذکر شد. نتیجه‌ای که حاصل شد این است که معصومین علیهم‌السلام نسبت به امنیت سیاسی شهروندان اهتمام جدی داشتند و برای آن سازو کارهایی ترسیم کرده‌اند که در جهت رشد و تعالی این موضوع بسیارحائز اهمیت است، چرا که امنیت در سایه اجتماع و حمایت مردم شکل می‌گیرد و این مردم هستند که اگر امنیت سیاسی داشته باشند به تبع آن حکومت نیز امنیت خواهد داشت.

واژه‌های کلیدی: راهبرد، امنیت، مردم، معصومان.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

مقوله امنیت و به ویژه امنیت سیاسی در همه جوامع امروزی به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی حقوق بنیادین مورد توجه قرار می‌گیرد و ماهیتی حقوق بشری به خود گرفته است. امنیت مهم‌ترین عامل شکل‌گیری اجتماع انسانی است؛ زیرا انسان برای برآوردن نیاز طبیعی خویش با امنیت جسمی و روانی، گرد هم جمع شده و زندگی مدنی را تشکیل داده است. با گسترش جوامع بشری، ابعاد جدیدی بر این مقوله افزوده شد که یکی از این ابعاد جدید، «امنیت سیاسی» است. توجه به متون دینی و احکام و مقررات اسلامی گویای اهمیت امنیت در همه عرصه‌ها و راه‌حل‌های اسلام برای تحقق بخشیدن به امنیت در جامعه اسلامی است.

در این قسمت به مهمترین مفاهیم به کار گرفته شده در این مقاله خواهیم پرداخت. این مفاهیم عبارتند از: راهبرد، امنیت، سیاست، سیره، امنیت سیاسی.

مفاهیم

مفهوم شناسی راهبرد

تعریف لغوی؛ نقشه و هدایت جنگی، ترفند، هر طرح درازمدت برای هدفی خاص. (معین)

تعریف اصطلاحی؛ راهبرد به معنی تعیین اهداف و طرح نمودن برنامه‌ای برای رسیدن به آنها است. به بیان دیگر راهبرد طرح درازمدتی است که برای نیل به یک هدف بلند مدت مشخص، طراحی و تبیین می‌گردد.

معنای ساده راهبرد عبارت است از یک طرح عملیاتی به منظور هماهنگی و سازماندهی اقدامات برای دستیابی به هدف. راهبرد مفهومی است که از عرصه نظامی

نشأت گرفته و بعدها در سایر عرصه‌ها از جمله اقتصاد، تجارت و به ویژه سیاست و مملکت داری از کاربرد زیادی برخوردار شده است. (زارعی و شیرمحمدی، ۱۳۹۸، ص ۶۳)

مفهوم شناسی امنیت

تعریف لغوی؛ امنیت مصدر جعلی از ریشه «ا، م، ن» و به معنای در امان بودن، ایمنی و آسودگی و از بین رفتن هراس و نگرانی است. (طیب حسینی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۳۹۰)

تعریف اصطلاحی؛ در واقع می‌توان گفت امنیت پدیده‌ای ادراکی و احساسی است یعنی برای تحقق آن باید این اطمینان در ذهن توده مردم، دولتمردان و زمامداران و تصمیم گیرندگان به وجود آید که ایمنی لازم برای ادامه زندگی بدون دغدغه وجود دارد. بدیهی است که عوامل بیرونی در به وجود آمدن این ادراک و احساس به طور مستقیم نقش دارند. (نوروزی خیابانی، ۱۳۷۴)

مفهوم شناسی سیاست

تعریف لغوی؛ واژه سیاست معادل کلمه Politic و ریشه لاتین آن، Polis به معنای شهر و شهروندی و قانون اساسی یا ساختار حقوقی آمده است. سیاست، واژه‌ای عربی و از ریشه ساس یسوس است. این واژه در لغت به معنای حکومت، ریاست، امر و نهی، سزا و تنبیه، پرورش و پروراندن و پرداختن به امور مردم بر طبق مصالحشان و اقدام و انجام کاری بر پایه مصلحت آمده است. (ابن منظور، ج ۶، ص ۱۰۷)

تعریف اصطلاحی؛ معنای اصطلاحی سیاست نزد متفکران اسلامی، مدیریت و رهبری جامعه، قدرت و فن کسب توزیع و حفظ قدرت در جهت مصالح مادی و معنوی است. هدف سیاست در حاکمیت اسلامی، تحقق بخشیدن به ارزش‌های

الهی، احقاق حقوق مردم و جلوگیری از ظلم و فساد است؛ بنابراین حاکم اسلامی در جست‌وجوی راهکارهای مطلوب و مناسب برای هدایت جامعه به سوی سعادت است. (حمید عنایت، ص ۱۹)

مفهوم شناسی سیره

تعریف لغوی و اصطلاحی

شهید مطهری می‌فرماید:

«سیر غیر از سیره است، سیر یعنی رفتار. هر کسی در عالم، هم چنان که گفتار دارد، رفتار هم دارد، ولی سیره عبارت است از: سبک و اسلوب و متد خاصی که افراد صاحب اسلوب و سبک و منطق در سیر خودشان به کار می‌برند. همه مردم سیر دارند ولی همه مردم سیره ندارند، یعنی این چنین نیست که همه مردم در رفتار خودشان از یک منطق خاص پیروی بکنند و یک سلسله اصول در رفتار خودشان داشته باشند که آن اصول، معیار رفتار آن‌ها باشد. سیره یعنی نوع خاص حرکت انسان و نوع رفتار. اهل لغت در توضیح معنای آن گفته‌اند: سیره عبارت از طریقه، هیئت و حالت است. گاهی هم تعبیر به سنت و مذهب، روش و راه و رسم و سلوک و طریقه اداره، کرده‌اند؛ بنابراین می‌توان سیره را نوع رفتار و سبک رفتار معنا کرد.» (مطهری، ج ۱، ص ۴)

مفهوم امنیت سیاسی

امنیت سیاسی یعنی حفظ حرمت و جایگاه کنشگران سیاسی و پرهیز از هرگونه تعرض به حقوق سیاسی آنها در سه حوزه حکومت، کارگزاران و برگزیدگان و نخبگان، جامعه و عموم مردم. امنیت سیاسی یعنی چه در جایگاه حکومت و چه در جایگاه مردمی اگر افراد به وظیفه خود عمل کردند، هیچ‌گاه مورد تعرض قرار نگیرند. (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵، ۲۸)

مسئله امنیت سیاسی شهروندان

فساد آوری قدرت حاکمان و احتمال سلب آرامش و امنیت مردم و شهروندان، تجربه هزاران ساله بشر است که تاریخ گواه آن می‌باشد و عقلا معترف و معتقد به آن هستند. اسلام به عنوان مکتبی که برای اداره امور جامعه و از جمله ایجاد نظم، آرامش و امنیت برای مردم طرح و برنامه ارائه نموده است، مهار قدرت حاکمان را نیز از نظر دور نداشته و در نظام حکومتی خود، ساز و کارهایی را در نظر گرفته که مفسد ناشی از جاه طلبی و خودکامگی را به حداقل ممکن کاهش می‌دهد.

در مورد کاربرد و اعمال قدرت توسط حاکمان، دو رویکرد کلی را می‌توان از یکدیگر تفکیک کرد. در رویکرد اول؛ بیشتر حاکمان و صاحبان قدرت، حکومت را در جهت منافع مادی و ابزاری جهت بهره‌مندی هر چه بیشتر از لذات دنیوی خود به کار می‌گیرند.

در رویکرد دوم و نگرش اسلام؛ قدرت وسیله‌ای برای اجرای عدالت، برپایی حق، مبارزه علیه متجاسرین و متجاوزین و برقراری امنیت در جامعه است. ابن عباس (عبدالله بن عباس، ۶۹ ق) می‌گوید: خدمت امیر مؤمنان رسیدم، در حالی که آن حضرت مشغول وصله زدن کفش خویش بود، از من پرسید: ارزش این کفش چقدر است؟ پاسخ گفتم: ارزشی ندارد. آن‌گاه امام فرمودند: «به خدا سوگند این کفش بر حکومت و فرمانروایی بر شما، نزد من محبوب‌تر است مگر اینکه حقی را بر پا دارم یا از باطلی جلوگیری کنم». (نهج البلاغه، خطبه ۳۳)

صلح

دین اسلام اصل را بر صلح در میان مردم یک جامعه و بین جوامع دیگر می‌داند. (وَالصُّلْحُ خَيْرٌ) (نساء، ۱۲۸) به همین علت است که بعد از تشکیل حکومت، رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه با یهودیان، پیمان و معاهده صلح بست. (علی اکبر ذاکری،

(۱۳۹۸) طبق آیه شریفه، صلح بهتر است لذا از جمله راهبردهای اصولی برای امنیت سیاسی در سیره معصوم علیهم‌السلام، صلح میان مردم از طریق پیمان و قوانین و معاهدات است. اگر معاهده‌ای نباشد به تبع آن امنیت سیاسی مردم نیز در معرض خطر قرار می‌گیرد و به جنگ و خونریزی منجر می‌شود. در این جا بخشی از پیمان نامه‌ای که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در جامعه و حکومت خود قرار داد را بیان می‌داریم تا راهبرد ایشان به صورت دقیق تر برای حفظ امنیت سیاسی شهروندان مشخص گردد:

۱- همراهی در جنگ: هر گروه که بجنگد و سپاهیان، گروهی بعد از گروهی، نبرد کنند، باید به نیکی و برابر بین مسلمانان باشد، پس جنگ جز با اجازه رؤسای سپاه که صلاحیت این کار را دارند، روا نیست. (الکافی، ج ۵، ص ۳۱)

۲- احترام به هم پیمان و همسایه: به درستی حرمت همسایه مانند حرمت جان آدمی است تا زمانی که زیان نرساند و گناه انجام ندهد و حرمت همسایه نزد همسایه مانند احترام به پدر و مادر است. (الکافی، ج ۵، ص ۳۱)

۳- هماهنگی در صلح: به هنگام نبرد در راه خدا، هیچ مؤمنی نباید جدا از مؤمن دیگر آشتی نماید، جز بر اساس عدالت و برابری. (تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۴۰)

موضوع امنیت سیاسی شهروندان

«موضوع» امنیت سیاسی افراد در اسلام عبارت است از: حق به‌کارگیری و ابراز هر عقیده سیاسی، حق انتخاب شدن، حق انتخاب کردن. (نجف لک زایی، امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه)

حق به‌کارگیری و ابراز هر عقیده سیاسی

حق به‌کارگیری هر عقیده سیاسی شامل امنیت در تفکر و اعتقاد و بیان آن می‌باشد که در دو زمینه حاکمیت و مشروعیت آن و زیر بنای فکری حکومت، می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد. در مبحث امنیت سه گانه مطرح شده است که اگر عقیده فرد، موافق

و مؤید تئوری و تفکر موجود باشد تا جایی قابل ابراز است که موجب وهن مذهب یا اختلال در نظم و یا ایجاد اختلاف میان اقوام نشود؛ و اگر با عقیده موافق نباشد با سه محدودیت دنیوی مواجه خواهد شد که عبارتند از:

محدودیت بغی

به دلیل نفسانی و غیر ارادی بودن عقیده طبق آموزه‌های فقه شیعی، آزادی افراد در بکارگیری چنین عقیده‌ای که دال بر مخالف بودن حاکمیت و مشروعیت آن است، قابل احترام می‌باشد و هیچکس حق تعرض یا تجسس در عقاید این افراد را ندارد. چنانچه سبب خیر خواهی و به قصد اصلاح جامعه اسلامی این اعتقاد علنی و آشکار شود طبق نظر برخی اندیشمندان (مصباح یزدی) باز هم مشمول امنیت خواهد بود.

در مرحله بعد که فرد تنها به حبس عقیده در وجود خود اکتفا نمی‌کند و با تبلیغ، قصد براندازی حاکمیت اسلامی را دارد، مشمول دو دیدگاه می‌شود:

دیدگاه اول: در تقابل امنیت فرد با امنیت جامعه اسلامی، حق تقدم با امنیت عمومی است و باید مانع از چنین تبلیغات و اشاعه عقائد سیاسی شد. در این مورد می‌توان به درخواست یاران حضرت علی علیه السلام مبنی بر سختگیری به مخالفان آن حضرت اشاره کرد، هر چند که به دلیل مصلحت اندیشی مورد قبول ایشان واقع نشد.

دیدگاه دوم: دیدگاه مشهور فقهای امامیه مبنی بر این است؛ تا زمانی که عقاید مخالف و تبلیغ آنان منجر به قیام مسلحانه یا اختلال در نظام نشده است نمی‌توان به آن «بغی» اطلاق کرد.

برای مقابله سختگیرانه با بغات، شروطی ذکر شده است که بیانگر این است که جرم بغات تنها محدود به انتخاب یا تبلیغ آن عقیده نیست بلکه زمانی جرم محسوب می‌شود که امنیت عمومی جامعه را تهدید کند و این شروط عبارتند از:

۱- جدا شدن از امام و عدم اطاعت از ایشان. (طوسی، ص ۲۹۶)

۲- چنان جاه و مقام و شوکتی را صاحب شوند که حاکم اسلامی از طرف آن‌ها احساس خطر کند. (همان)

۳- مخالفت آنها قرین لجاجت و عناد باشد یا در مخالفت خود دچار اشتباه می‌شوند که غیر قابل قبول است.

۴- از قبل با تذکر و موعظه با آنها اتمام حجت شده باشد. (طوسی، ج ۷، ص ۲۶۵)

بنابراین مخالفت‌ها تا زمانی که وجه خیر خواهانه برای جامعه داشته باشد و منجر به قیام مسلحانه نشود، مورد استقبال قرار می‌گیرد؛ زیرا در تقابل تضادهای عقیدتی، سطح فکری افراد جامعه رشد خواهد کرد.

محدودیت دوم با عنوان ارتداد

محدودیت دوم در جایی است که شخص مخالف با مبنای معنوی حاکمیت - مخالف اسلام - در جامعه اسلامی می‌باشد و به عناد ورزی با این عنصر و شالوده می‌اندیشد و ابراز عقیده می‌کند. در این صورت امنیت این شخص به صورت مطلق مورد قبول نیست و در محدوده مرتد قرار می‌گیرد.

سه معنایی که با توجه به نظر فقها برای ارتداد آمده است:

۱- ارتداد تردیدی: در این معنا، فرد صرفاً به جهت تردید در عقاید خود، مرتد محسوب می‌شود. (حلی، ج ۱، ص ۸۳)

۲- ارتداد اعتقادی: در این معنا فرد پس از تردید، قطعاً دست به انکار عقائد اسلامی می‌زند و عقیده دیگری را انتخاب می‌کند.

۳- ارتداد عنادی: چنانچه فرد از عقائد اسلامی به جهت عناد و لجاجت رویگردان شود، مرتد محسوب می‌شود. آیت الله مرعشی می‌نویسد: اگر پس از اتمام حجت و راهنمایی‌های لازم، عمداً و عناداً اسلام را نپذیرفت و بر کفر ادامه داد،

لازم است با آنها معامله به مثل کرد و اطلاق احکام مذکور درباره مرتدین، ناظر به این دسته از مرتدین است. (مرعشی، ۱۳۷۶، ص ۹۲)

محدودیت سوم با عنوان «حفظ نظام»

گاهی به جهت حفظ مصلحت عمومی جامعه و امنیت روانی آن، آزادی بیان افراد را محدود می‌سازند که زیر مجموعه عنوان «حفظ نظام» قرار دارد که در کتب فقهی تحت عنوان «قاعده اختلال» شناخته می‌شود.

معنای آن چنین است: هر فعلی که مخل زندگی افراد جامعه یا باعث سستی معیشت آنها شود، ممنوع است و هر فعلی که باعث حفظ نظام شود، واجب و لازم است. (سیفی مازندرانی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۱۳)

باید به این نکته اشاره نمود که در کتب فقهی، ملاک‌های خاصی جهت تشخیص مصادیق برهم خوردن نظم اجتماع یا اختلال در نظام بیان نشده است اما برخی از فقها چنین تعبیری داشته‌اند: پیدایش هرج و مرج در جامعه، امر روشنی است که تمامی جامعه یا اکثریت آن، به آن رسیده‌اند و احراز آن برای آنها که مکلف اصلی و اولی برای برای ایجاد نظم هستند، کار مشکلی نیست. (منتظری، ۱۴۲۹، ص ۵۵)

حق انتخاب شدن

یکی دیگر از عوامل ایجاد امنیت سیاسی در حیطة فردی، حق انتخاب شدن است؛ یعنی اینکه فرد احساس کند با تلاش و جهد و برنامه ریزی معقول می‌تواند به سطوح بالای حاکمیت دست پیدا کند و این همان نکته‌ای است که برای افراد ایجاد آرامش می‌کند. آیا از منابع فقهی اسلام می‌توان این نکته را استنباط کرد که دستیابی به مقام زعامت مسلمانان حق عمومی مردم است یا فقط مختص به گروه خاصی است؟

در این زمینه از کلام فقیهان بزرگ همچون امام خمینی ره می‌توان این برداشت را کرد که دو دسته از شرایط لازم است: شرایط عمومی همچون عقل و تدبیر (امام خمینی، ۱۴۲۳، ص ۴۸) که در همه جوامع برای حاکمان مقرر می‌دارند و شرایط اجتهاد مطلق و «برخورداری از کمال اعتقادی و اخلاقی» یا عدالت. (امام خمینی، ۱۴۲۳، ص ۴۸)

چنین شرایطی از دو جنبه می‌تواند برای عموم افراد جامعه تولید امنیت نماید:

۱- وجود چنین معیارهایی در حاکمان و پیش‌بینی سازوکارهای نظارتی متعدد و مردمی بر تداوم آن ملاک‌ها، ضامن بسیاری از حقوق و آزادی‌های بنیادین مردم است و مردم این اطمینان خاطر را می‌یابند که از جانب حاکمانشان مورد تعدی و خیانت قرار نمی‌گیرند. (ارسطا، ۱۳۸۹، ص ۱۴۷)

۲- هر فردی می‌تواند با سعی و تلاش خویش و بر پایه استعدادهای درونی اش، به عالیترین سطوح مدیریت جامعه اسلامی برسد و در این میان، هیچ ملاک و مزیت تبعیض‌آمیزی به چشم نمی‌خورد. به عبارت دیگر؛ اسلام، بستر رویش و خاستگاه رهبری را به توده مردم سپرده است و این مردم‌اند که به طور مستقیم یا با واسطه خبرگان منتخب خود، فرد واجد صلاحیت را به رهبری بر می‌گزینند و این گونه در شکل‌گیری کانون قدرت سیاست، سهم می‌گردند. (مؤمن، ص ۳۱)

آنچه که از این بیانات مشخص می‌گردد این است که شروط فقاقت پیرامون ولی امر چون اکتسابی است با اصول دموکراسی در تضاد نیست؛ و اساساً دقت در این شروط بیانگر این است که مسئله زعامت جامعه اسلامی نه تنها یک حق بلکه به عنوان تکلیف برای صاحبان آن شرایط مطرح است و چنانچه فردی در برخی از این شروط محروم باشد در واقع یک تکلیف از او سلب شده است نه یک حق.

حق انتخاب کردن

یکی از مهمترین موضوعات در امنیت سیاسی شهروندان، حق مشارکت سیاسی است. اگر شهروندان جامعه اسلامی، حق انتخاب حاکم جامعه را به طور آزادانه داشته باشند و خود سرنوشت اجتماعی جامعه را با انتخاب رقم می‌زنند، بدون اینکه هیچ قدرت خارجی بتواند اختلالی در آن ایجاد کند، باعث می‌شود احساس امنیت کنند. این امر که «بیعت» نامیده می‌شود، مورد تأیید فقهای شیعه بوده و نمی‌توان از میان آنان فقیهی را پیدا کرد که قائل به نظریه «تغلب» باشد.

درباره ماهیت «بیعت» یا همان مشارکت سیاسی مردم دو نظریه وجود دارد:

۱- نظریه مشروعیت بخش بودن؛ حاکمیت حق خداوند است لکن این حق را به انبیاء و امامان و در زمان غیبت ایشان به فقیهان واگذار کرده است. مردم جامعه اسلامی با توجه به شرایطی که شارع مقدس برای حاکمیت وضع نموده است، رهبر خود را انتخاب می‌کنند.

علامه طباطبایی در این باره می‌نویسد: در هر صورت، پس از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، پس از غیبت امام (عج) بسان روزگار ما بی‌گمان امر حکومت اسلامی بر عهده مسلمانان است. مردم باید بر اساس سیره پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که همانا روش امامت است نه روش پادشاهی یا امپراطوری، برای اجتماع خویش حاکم برگزینند و به گونه‌ای رفتار کنند که دگرگونی در احکام پدید نیاید و با رایزنی و مشاوره، اداره امور و رخدادهایی که به اقتضای زمان و مکان پدید می‌آیند، انجام پذیرد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۱۲۴)

۲- در مقابل این نظریه، نظریه کارآمدی می‌باشد. بر اساس این نظریه که مشارکت مردم را به عنوان تنها راه کارآمدی حکومت مردم می‌داند (نظریه انتخاب)، حاکمیت حق خداست و خداوند این حق را به انبیاء و اولیاء و در زمان غیبت آنها به

منصوبان عام واگذار می‌کند و در این جا دیگر عامه مردم نقشی در انتخاب ندارند و حضور و مشارکت مردم در مشروعیت حکومت اسلامی تأثیری ندارد.

در عین حال، برخی فقها به این نکته توجه داده‌اند که اگر امامت را نه در اندازه یک نظریه بلکه به عنوان یک واقعیت جامعه اسلامی مطرح نماییم، مسئله بیعت و پذیرش مردم، خود به خود یکی از عناصر تشکیل دهنده آن خواهد بود. این امر بدین معنا نیست که امام علیه‌السلام بدون انتخاب یا پذیرش مردم، واجد صلاحیت امامت نیست یا قبول مردم، از شرایط امامت است بلکه بدین معناست که بدون پذیرش از سوی مردم، امامت امام واجد صلاحیت و انتخاب شده از جانب خدا، عینیت نمی‌یابد. (لک زایی نجف، امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه)

سازوکارهای تضمین امنیت افراد در اسلام

کمترین زیانی که قدرت برای حاکمان اعم از صالح و غیر صالح - غیر از معصومین علیهم‌السلام - دربر دارد، استبداد و خودکامگی است. در موارد متعددی، انسان پس از رسیدن به قدرت و حکومت، به ظلم و جنایت آلوده شدند. اگر نیروی بازدارنده برای حاکمان و صاحبان قدرت وجود نداشته باشد، اشخاص پس از رسیدن به قدرت، امنیت را از همه انسان‌ها سلب خواهند کرد؛ بنابراین، اسلام برای مهار قدرت و جلوگیری از استبداد و خودکامگی حاکمان، ساز و کارهای گوناگونی را ارائه نموده که در حد توان به برخی از آنها در زیر اشاره می‌شود:

روش و سازوکارهای خودکنترلی (محاسبه و مراقبه)

کسانی که در مسئولیت‌های حاکمیتی و سیاسی قرار می‌گیرند، از دیدگاه اسلام همواره در لبه پرتگاه قرار دارند و پیوسته شیطان آنان را وسوسه می‌کند تا به انحراف و لغزش وادارشان نماید. لذا محاسبه و مراقبه بر نفس، بر ایشان لازم تر و واجب تر از دیگران است. از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت شده است: «به حساب خود رسیدگی کنید، پیش از آنکه به حساب شما رسیدگی شود و خود را بسنجید، پیش از آنکه سنجیده

شوید و برای عرضه شدن بزرگ، خود را آماده کنید». (بحارالانوار مجلسی، ج ۶۷: ۷۳)

پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: «هر کس به سر پرستی ده نفر و بیش از آن منصوب گردد، در قیامت در حالی که دست‌هایش به گردنش بسته شده است، او را وارد صحنه محشر می‌نمایند. آن گاه اگر نیکوکار بوده است، دستانش گشوده می‌شود». (همان، ج ۷۵: ۳۴۱)

اسلام تنها ساز و کارهای درونی کنترل را برای مهار قدرت حاکمان کافی نمی‌داند، لذا ساز و کارهای بیرونی نیز برای مهار قدرت در یک نظام دینی نیز ضروری دانسته و معتقد است راه‌های مهار قدرت از درون، در کنار شروط و قیود مهار کننده قدرت سیاسی از برون، برای پاک نگاه داشتن فضای سیاسی و برقراری حسن رابطه دولت - ملت، لازم و ضروری است.

ساز و کارهای مهار قدرت از برون

نصیحت ائمه مسلمین: نصیحت حاکمان و زمامداران در فرهنگ اجتماعی - سیاسی مسلمانان، یکی از ساز و کارهای مهار قدرت سیاسی است. عالمان و اندیشمندان مانند خواجه نظام الملک (۴۸۵ هـ) در سیاست نامه، امام محمد غزالی (۵۰۵ هـ) در نصیحه الملوک، محقق سبزواری (۱۰۹۰ ق) در روضه الانوار، برای روشن شدن بیشتر این شیوه کنترل و نظارت قدرت سیاسی، زوایایی از آن را توضیح داده اند. اعمال اصل نصیحت حاکمان، دارای کارکردهای مختلف است؛ یعنی هم کارکرد ارشادی و اطلاع رسانی دارد و هم کارکرد کنترل و نظارت بر قدرت و اصلاح آن. وقتی چنین رابطه‌ای بین حاکمان و مردم جامعه برقرار باشد و رهبران رفتار خویش را زیر ذره بین نگاه یکایک افراد جامعه ببینند، بی گمان به گونه‌ای رفتار می‌کنند که پاسخگوی پرسش‌های شهروندان باشند. امیرالمؤمنین علیه السلام در منشور جاودانه حکومتی خود به مالک اشتر می‌نویسند: «مردم در کارهای تو آنچنان

می‌نگرند که تو در کارهای والیان پیش از خود می‌نگری و درباره تو آن می‌گویند که تو درباره آنان می‌گویی». (نهج البلاغه، نامه ۵۲)

اعمال اصل «امر به معروف و نهی از منکر»: خاستگاه امر به معروف و نهی از منکر - به عنوان یک وظیفه همگانی بسیار مهم اسلامی - آیات صریح و محکم قرآن کریم و روایات فراوانی است که از پیشوایان معصوم دین به ما رسیده است. باید از میان شما گروهی مردم را به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند و آنان همان رستگارانند. (آل عمران، آیه ۱۰۴) شما (مسلمانان حقیقی) نیکوترین امتی هستید که پدیدار گشته‌اید (برای اصلاح بشر که مردم را) به نیکوکاری امر می‌کنید و از بدکاری باز می‌دارید و ایمان به خدا دارید؛ و اگر اهل کتاب همه ایمان می‌آوردند بر آنان چیزی بهتر از آن نبود، لیکن برخی از آنان با ایمان و بیشترشان فاسق و بدکارند. (آل عمران، آیه ۱۱۰) (آنان که خدا را یاری می‌کنند) آنهایی هستند که اگر در روی زمین به آنان اقتدار و تمکین دهیم نماز به پا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و (از هیچ کس جز خدا نمی‌ترسند چون می‌دانند که) عاقبت کارها به دست خداست. (حج، آیه ۴۱) اصل امر به معروف و نهی از منکر آنچنان اهمیت دارد که برخی از آیات، ملاک برتری امت اسلامی را نسبت به دیگر امم در این می‌دانند که آنان اهل امر به معروف و نهی از منکرند. «شما (مسلمانان حقیقی) نیکوترین امتی هستید که بر آن قیام کردند که برای اصلاح بشر، مردم را به نیکوکاری وادار کنند و از بدکاری بازدارند». (آل عمران، آیه ۱۱۰)

اصل مشورت در امور عمومی: یکی دیگر از عوامل قوام بخش امنیت در جامعه دینی و به عنوان یک ابزار در مصون سازی قدرت از لغزش‌ها، انحراف‌ها، خودکامگی‌ها و ظلم و تعدی، مشورت حاکمان و زمامداران در حوزه عمومی جامعه است.

خداوند در قرآن کریم به پیامبر ﷺ فرمان می‌دهد که در امور امت و حکومت و آنچه که مربوط به حیات جمعی و زیست اجتماعی است، با آنان به مشورت و رایزنی بپردازد. با رحمت خدا بود که با خلق مهربان گشتی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی مردم از گرد تو متفرق می‌شدند، پس از (بدی) آنان درگذر و برای آنها طلب آمرزش کن و (برای دلجویی آنها) در کار (جنگ) با آنها مشورت نما، لیکن آنچه تصمیم گرفتی با توکل به خدا انجام ده که خدا آنان را که بر او اعتماد کنند دوست دارد. (آل عمران، آیه ۱۵۹) آنان که امر خدایشان را اجابت کردند و نماز به پا داشتند و کارشان را به مشورت یکدیگر انجام می‌دهند و از آنچه روزی آنها کردیم (به فقیران) انفاق می‌کنند. (شوری، آیه ۳۸)

اعتماد عامل امنیت سیاسی: اساس حکومت‌های فاسد و غیر مردمی را بدبینی، بی‌اعتمادی و سوء ظن نسبت به مردم تشکیل می‌دهد. حاکم و زمامداران در چنین نظام‌هایی، خود را تافته جدا بافته از مردم می‌شناسند، مردم را در جهت ضدیت و دشمنی با دولت می‌دانند و مردم نیز هیچ اعتمادی به نیات و اعمال دولتمردان ندارند و هر یک از دو طرف مسیر جداگانه‌ای را طی می‌کنند. در مقابل، حکومت اسلامی بر پایه حسن ظن و اعتماد متقابل بین مردم و حاکمان پی‌ریزی می‌شود. حاکم در حکومت اسلامی، مردم را در جهت دوستی، همیاری و همکاری و مورد وثوق خود می‌شناسد و قدرت خود را از مردم و مردم را از خود می‌داند و مردم هم حکومت و زمامداران را امین و خدمتگزار خود می‌دانند. حضرت علی علیه السلام در عهدنامه خود خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «بدان که هیچ عاملی برای جلب والی به وفاداری رعیت، بهتر از احسان به آنها و تخفیف هزینه‌های آنان و عدم اجبار شان به کاری که وظیفه ندارند، نیست. پس لازم است از جانب تو برنامه‌ای باشد که به سبب آن به رعیت خوش بین شوی، زیرا این خوش بینی رنج فراوانی را از دوش تو بر می‌دارد».

(نهج البلاغه، خطبه ۵۳)

عدم خشونت: از دیدگاه اسلام، کاربرد خشونت و سلب امنیت شهروندان، در حکم جنگ با خداست. حضرت علی علیه‌السلام خشونت با مردم و ستم بر بندگان خدا و سلب امنیت آنها را در زمره جنگ با خدا تلقی کرده است و خطاب به مالک اشتر می‌نویسد: «با خشونت نسبت به مردم، خود را در موضع جنگ با خدا قرار مده که تو را نیروی مقاومت در برابر نعمت و قهر او نیست و از بخشایش و مهربانی او بی‌نیاز نیستی، هرگز از گذشت و بخشایش (نسبت به رعیت) پشیمان مباش و از کیفر دادن، احساس شادی به خود راه مده و به هیچ وجه در هنگام غضب که باعث اقدامات تند و بی‌مورد گردد و ممکن است چاره و گریز گاهی بیایی، شتاب مکن». (نهج البلاغه، خطبه ۵۳)

تهدیدهای امنیت سیاسی توده مردم

بی‌ثباتی سیاسی

منظور از بی‌ثباتی سیاسی، درجاتی از تغییرات غیر متعارف یا غیر مترقبه در محیط سیاسی می‌باشد. (بر چرو ویلکنفلد، ۱۳۸۲: ۱۰۸) حاکمیت به عنوان مهم‌ترین مؤلفه قدرت سیاسی، نقش خود را در حوزه داخلی و خارجی وقتی ایفا می‌کند که توأم با ثبات باشد و بی‌ثباتی توانایی تأثیر گذاری حاکمیت را مخدوش می‌کند؛ به نحوی که بی‌ثباتی وسیع، مفهوم حاکمیت در یک سیستم را نابود می‌سازد. (ره پیک ۱۳۸۷: ۲۱۳)

یکی از عوامل بی‌ثباتی هر نظام، اختلافات و درگیری‌های داخلی است و باعث تحلیل رفتن قدرت و اقتدار حکومت می‌شود و استحکام و انسجام ملی را تضعیف می‌کند و تا جایی پیش می‌رود که خودی‌ها یکدیگر را دشمن می‌پندارند و به جای توجه به دشمن، یکدیگر را نشانه و هدف می‌گیرند و با دست خود، زمینه نابودی خود را فراهم می‌کنند به طوری که در آیات قرآن، گروه گروه شدن، درگیری گروهی، تفرقه، بانندی و جناحی در ردیف عذاب خداوند متعال ذکر شده است: «بگو او قادر است

که از بالا یا از زیر پای شما عذابی بر شما بفرستد؛ یا به صورت دسته‌های پراکنده شما را به هم اندازد و طعم جنگ و اختلاف را به هر یک از شما به وسیله دیگری بچشانند. ببین چگونه آیات گوناگون را برای آنها بازگو می‌کنیم! شاید بفهمند و بازگردند». (انعام، ۶۵)

کاهش یا فقدان مشروعیت

مشروعیت به معنای مطابقت با احکام دین و شرع است و در علم سیاست به معنای قانونی بودن و حقانیت است. حاکمان حق دارند بر مردم حکمرانی کنند و مردم نیز باید از آنان اطاعت نمایند. (وینسنت، اندرو، نظریه‌های دولت، ص ۶۸)

مشروعیت یکی از لوازم ضروری حاکمیت است که می‌توان از طریق آن سطح و وضع حاکمیت را بررسی کرد؛ به عبارت دیگر؛ شدت و ضعف مشروعیت، با شدت و ضعف حاکمیت رابطه مستقیم دارد. البته مسئله مشروعیت معنای وسیعی دارد و از مبانی مشروعیت تا کارآمدی، امتداد می‌یابد؛ بنابراین، کاهش مشروعیت گاه ناشی از کاهش توان توجیهی مبانی مشروعیت یک سیستم است و گاه به دلیل ناکارآمدی آن سیستم است. (ره پیک، ۱۳۸۷: ۲۱۶-۲۱۵) مظاهر و نشانه‌های کاهش یا فقدان مشروعیت یک نظام، دارای جلوه‌های مختلفی است. یکی از جلوه‌های آن، عدم تحقق اهداف اعلام شده می‌باشد چرا که برنامه ریزی، تخصیص بهینه منابع و دسترسی به هدف‌ها، جزئی از فلسفه وجودی حکومت‌هاست. اگر دولت نتواند به وعده‌ها و هدف‌های خود دست یابد، فلسفه وجودی و مشروعیت خود را از دست خواهد داد. (همان، ۲۱۷) به همین علت است که قرآن کریم می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید چرا سخنی می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟». (صف، ۲)

کاهش یا فقدان مشارکت عمومی

مقصود از مشارکت، پذیرش دخالت داوطلبانه اشخاص یا گروه‌های سیاسی، اقتصادی و... در حاکمیت و قدرت، از سوی حاکمیت می‌باشد؛ بنابراین، میزان

مشارکت با میزان چنین پذیرش و دخالتی شناسایی می‌شود و فقدان یا کاهش مشارکت، باعث کاهش قدرت و ضعف حاکمیت می‌باشد. (ره پیک، ۱۳۸۷: ۲۱۸)

وجود آیاتی چون «و امرهم شورا بینهم» و «شاورهم فی الامر» در قرآن کریم نشان پذیرش مشارکت عمومی در ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشور توسط اسلام است. پذیرش این اصل در اداره امور جامعه، منوط به پذیرش سلیق و نظرات گوناگون با در نظر گرفتن زمینه‌ها و چارچوب‌های اعتقادی، فرهنگی، سیاسی و تاریخی هر جامعه می‌باشد. این موضوع را قرآن کریم این چنین بیان می‌کند: «اگر خدا می‌خواست همه شما را امت واحدی قرار می‌داد؛ ولی خدا می‌خواهد شما را در آنچه به شما بخشیده، بیازماید؛ (و استعدادهای مختلف شما را پرورش دهد) پس در نیکی‌ها بر یکدیگر سبقت جوید! بازگشت همه شما، به سوی خداست؛ سپس از آنچه در آن اختلاف می‌کردید، به شما خیر خواهد رسید». (مائده، ۴۸)

افزایش اقدامات خشونت آمیز

رفتارها و اقدامات خشن در مقابل حکومت، مانند ترور، قتل‌های سیاسی، شورش‌ها، راهزنی، گروگان‌گیری، تخریب‌ها و... با انگیزه‌های سیاسی در مجموع دلالت منفی برای حکومت‌ها دارند؛ بنابراین کمیت یا کیفیت این نوع رفتارها را می‌توان با درجه خشونت آنها تفسیر کرد و به هر میزان که افزایش خشونت سیاسی قابل اجرا باشد، حاکمیت و قدرت سیاسی، چالش بیشتری پیدا می‌کند، زیرا علاوه بر آنکه حاکمیت مجبور به صرف بخشی از منابع خود برای مقابله با این رفتارهاست، نفس افزایش مخالفت‌های خشن سیاسی، بر کاهش شاخص حاکمیت‌های خوب و مؤثر دلالت می‌کند. (ره پیک، ۱۳۸۷: ۲۲۲)

بی‌هویتی و عدم علائق ملی

اعتقادات و باورها مهم‌ترین بخش ذهنی فرهنگ یک جامعه می‌باشند که در متمایز ساختن یک هویت از سایر هویت‌ها نقش اساسی ایفا می‌کند. منشأ اعتقادات

و باورها متنوع است، زیرا می‌توان برای آنها منشأ و حیانی، سنتی و تاریخی تصور کرد. بدیهی است باورهای دینی که دارای منشأ و حیانی هستند، از پایدارترین اعتقادات فرهنگی تلقی می‌شوند؛ و همین طور مهم‌ترین تهدید برای چنین اعتقاداتی، ظهور اعتقادات معارض می‌باشد؛ بنابراین، تغییرات غیر متعارف در رفتارهای معارض با اعتقادات و هویت ملی، علامت و نشانه‌ای از تهدید به آن اعتقادات می‌باشد. (همان، ۲۳۷-۲۳۹)

فقر و نابرابری اجتماعی

فقر، نابرابری و محرومیت که حاکی از کمبود یا توزیع نابرابر منابع، عدم دسترسی به منابع و عدم توانایی در برآورده کردن نیازهای اساسی است؛ سبب فشار بر مردم شده و منجر به رقابت و تعارض می‌گردد. تداوم این تعارضات، احتمال بروز رفتارهای خشونت‌آمیز در جامعه را افزایش می‌دهد.

در مورد نابرابری نیز مسئله به همین ترتیب است؛ جامعه‌شناسان برای نابرابری اجتماعی، حوزه‌های سه‌گانه طبقه، منزلت و قدرت را مطرح کرده‌اند. نابرابری در هر یک از این سه حوزه، از درگیری‌ها و تعارض‌های اجتماعی و ناهنجاری‌های ناشی از آن نشئت می‌گیرد و در نهایت منجر به بروز بحران مشروعیت و در نتیجه تهدیدکننده ثبات سیاسی و امنیت ملی می‌گردد. (برزگر، ۱۳۸۰: ۸۹-۸۸)

به همین دلیل، آموزه‌های دینی نسبت به فقر و آثار فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی آن حساسیت شدید نشان می‌دهد. چنانچه از پیامبر گرامی نقل شده: «کسی که معاش ندارد، معاد هم ندارد». (مطهری، ج ۱، ص ۸۹) فراهم آوردن رفاه و آسایش و تحقق کفاف زندگی اقشار اجتماع، از هدف‌های اساسی حکومت دینی است. حضرت علی علیه السلام تحقق امنیت جامعه را در عدالت، رفاه و آبادانی می‌داند. آن حضرت در حیطه حکومت خود همواره حداقل نیاز معیشتی همگان را تأمین می‌کرد.

به طوری که یکی از اهداف حکومت را «اصلاح چشمگیر وضعیت مردم و آبادانی شهرها» برشمردند. (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱)



نتیجه گیری

امنیت را می‌توان مهم‌ترین عامل شکل‌گیری اجتماع انسانی دانست؛ زیرا انسان برای برآوردن نیاز طبیعی و امنیت جسمی و روانی، گرد هم جمع شده است. اصل در اسلام، صلح در میان مردم یک جامعه و بین جوامع دیگر است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله بعد از تشکیل حکومت در مدینه با یهودیان، پیمان و معاهده صلح بست. می‌توان از جمله راهبردهای اصولی برای امنیت سیاسی در سیره معصومان علیهم‌السلام، صلح میان مردم از طریق پیمان و قوانین و معاهدات است. اگر معاهده نباشد به تبع آن امنیت سیاسی مردم نیز در معرض خطر قرار می‌گیرد و به جنگ و خونریزی منجر می‌شود.

قوانین پیامبر اکرم در میان جامعه برای برقراری امنیت سیاسی؛

۱. همراهی در جنگ. ۲. احترام به هم پیمان و همسایه. ۳. هماهنگی در صلح.

موضوع امنیت سیاسی شهروندان؛

۱. حق به کارگیری و ابراز هر عقیده سیاسی

حق بکارگیری هر عقیده سیاسی شامل امنیت در تفکر و اعتقاد و بیان آن می‌باشد که در دو زمینه حاکمیت و مشروعیت آن و زیر بنای فکری حکومت، می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد. اگر عقیده‌ای موافق تفکر موجود نبود، سه محدودیت خواهد داشت: بغی (نفسانی، غیر نفسانی و علنی) ارتداد، حفظ نظام، حق انتخاب شدن.

سازوکارهای تضمین امنیت افراد در اسلام؛

۱. مهار قدرت از درون: محاسبه و مراقبه

۲. مهار قدرت از بیرون؛ الف) نصیحت ائمه مسلمین. ب) اعمال امر به معروف و

نهی از منکر. ج) اصل مشورت در امور عمومی. د) اعتماد. ه) عدم خشونت.

تهدیدهای امنیت سیاسی توده مردم شامل بی‌ثباتی سیاسی، فقدان مشروعیت، فقدان مشارکت عمومی، افزایش اقدامات خشونت‌آمیز، بی‌هویتی و عدم علایق ملی، فقر اجتماعی.



فهرست منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
نهج البلاغه.
۱. ابن منظور، ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم؛ لسان‌العرب؛ ج ۳، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
 ۲. اخوان کاظمی، بهرام؛ «امنیت و راهکارهای تأمین آن در اندیشه محقق سبزواری»؛ پژوهشنامه علوم سیاسی؛ تهران: انجمن علوم سیاسی ایران، ش ۴، پاییز ۱۳۸۵.
 ۳. حلّی، حسن بن یوسف؛ تبصرة المتعلمین فی أحكام‌الدین، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
 ۴. ذاکری، علی اکبر، سیره سیاسی معصومان علیهم‌السلام در کتاب‌های چهارگانه شیعه، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۸.
 ۵. رحمت‌اللهی، حسین و دیگران، امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه، حقوق/اسلامی.
 ۶. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، علل الشرائع، مکتبه الحیدریه، نجف اشرف، ۱۳۸۶ ق.
 ۷. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹ ش.
 ۸. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، انتشارات دار التعارف للمطبوعات، ۴۱۳ ق.
 ۹. طوسی، محمد بن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۱۰. عنایت، حمید، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه خرمشاهی، تهران: خوارزمی، چاپ سوم.
 ۱۱. غزالی، ابو حامد محمد ابن محمد، نصیحه الملوک، انتشارات فردوس، ۵۰۳ ق.
 ۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ پنجم.
 ۱۳. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۱۵.
 ۱۴. مرتضی مطهری، سیری در سیره نبوی، انتشارات صدرا، ۱۳۶۸.
 ۱۵. معین، محمد، فرهنگ فارسی (شش جلدی). تهران: امیرکبیر.